رئیس رسانه ملی در آیین بدرقه زنده‌یاد کوروش زارعی بیان کرد:

کوروش زارعی، مصداق روشن هنرمند مسئول و متعهد بود



رئیس سازمان صداوسیما زنده‌یاد کوروش زارعی را مصداق روشن هنرمند مسئول، متعهد و وظیفه‌شناس دانست و گفت: ما به‌عنوان نهادهای مسئول باید مانند هنرمندی چون کوروش زارعی که فرصت‌های مادی را کنار می‌گذارد تا به وظیفه اعتقادی خود عمل کند، به مسئولیت‌های‌مان پایبند باشیم و ضمن شناسایی استعدادهای هنری، به آنها میدان دهیم.

به گزارش روابط عمومی رسانه ملی، دکتر پیمان جبلی در آیین بدرقه زنده‌یاد کوروش زارعی، ضمن تسلیت درگذشت این هنرمند اظهار کرد: مرحوم زارعی مصداق روشن و بارز هنرمند مسئول، متعهد و وظیفه‌شناس بود. هنر قدرت است و قدرت مسئولیت می‌آورد. هنرمندی که به توانمندی خود و قدرت اثرگذاری هنر واقف باشد و این توانایی را در مسیر مسئولیت‌های اجتماعی، آرمان‌ها و باورهای خود قرار دهد، هنرمندی مسئول است.

دکتر جبلی ادامه داد: هنرمندی که قدرت هدایت، نفوذ و تأثیرگذاری بر افکارعمومی را به رسمیت بشناسد و از این ظرفیت در مسیر ارزش‌های اعتقادی، باورها، انگیزه‌ها و آرمان‌های ملی و انقلابی استفاده کند، هنرمندی مسئول شناخته می‌شود؛ حتی اگر برای پایبندی به باورها و مسئولیت اجتماعی خود، فرصت‌های مادی بسیاری را از دست بدهد و بر مواضعش مقاومت کند. هنرمندی که زمانه خود را به‌درستی بشناسد و در بزنگاه‌های تاریخی حضور فعال داشته باشد، هنرمندی مسئولیت‌شناس و متعهد است و کوروش زارعی از همین دست هنرمندان بود.

رئیس سازمان صداوسیما با اشاره به ضرورت توجه بیشتر به هنرمندان متعهد و کمترشناخته‌شده تصریح کرد: هنرمندان متعهد بسیاری داریم که متأسفانه برای مدت‌ها گمنام باقی می‌مانند؛ چراکه فرصت‌های لازم برای دیده‌شدن را پیدا نمی‌کنند یا نهادها و مراجع مسئول، زمینه شناسایی، معرفی و بروز توانمندی‌های آنان را فراهم نمی‌کنند.

او با اشاره به مسیر هنری کوروش زارعی گفت: زارعی نوجوانی بود که از میناب برخاست و از همان سال‌های نوجوانی آثار خود را به نمایش گذاشت. سپس به تهران آمد و با حضور در آثار سینمایی و تلویزیونی، خود را به جامعه هنری و مخاطبان شناساند. هنرمندانی مانند او کم نیستند و می‌دانیم در اقصی‌نقاط کشور استعدادهای هنری فراوانی وجود دارد که باید فرصت بروز و ظهور پیدا کنند.

دکتر جبلی در پایان با تأکید بر مسئولیت نهادهای فرهنگی در حمایت از استعدادهای هنری خاطرنشان کرد: ما نیز به‌عنوان نهادهای مسئول باید مانند هنرمندی چون کوروش زارعی که فرصت‌های مادی را کنار می‌گذارد تا به وظیفه اعتقادی خود عمل کند، به مسئولیت‌های‌مان پایبند باشیم و ضمن شناسایی استعدادهای هنری، به آنها میدان دهیم و از تلاش‌های‌شان تقدیر کنیم.

آرمان مهربان، خالق پوئم سمفونی ماندگار «سرباز» درگذشت

جوانمرد موسیقی ایران



رئیس سازمان صداوسیما با صدور پیامی درگذشت آهنگساز برجسته، زنده‌یاد آرمان مهربان را به خانواده ایشان، اهالی هنر و همکاران رسانه ملی تسلیت گفت.

به گزارش روابط عمومی رسانه ملی، متن پیام دکتر پیمان جبلی به این شرح است:

بسمه‌تعالی

انا‌لله‌وانا‌الیه‌راجعون

نغمه‌انگیزی زنده‌یاد آرمان مهربان، آهنگساز برجسته، رهبر ارکستر و هنرمند متعهدی که گام‌های استوارش در مسیر اعتلای فرهنگ مروج اصالت، شرافت و عشق به خاک پاک وطن بود، در تار و پود هنر انقلاب جاودانه شد.

او از نسل خادمان بی‌ادعایی بود که جلوه هنر، شور احساس و عمق اندیشه‌اش به اقتدار ایران گره خورده بود.

خلق پوئم‌سمفونی ماندگار «سرباز» در رثای سردار دل‌ها، عزت او را بر دل‌ها نشاند و با آفرینش موسیقی مارشی ویژه برای انعکاس دلیری و شجاعت رزمندگان جان‌برکف در نبرد جاری با آمریکا و رژیم صهیونیستی، آن را «تاثریا» رساند.

اینجانب پرواز ابدی این هنرمند اهل درد و ارزش‌آفرین را به خاندان محترم مهربان، همکاران گرامی‌ام در رسانه ملی و اهالی هنر تسلیت می‌گویم و از درگاه خداوند متعال، برای آن مسافر ملکوت، رحمت و رضوان واسعه و برای بازماندگان، صبر و شکیبایی مسالت دارم.

پیمان جبلی

رئیس سازمان صداوسیما

انعکاس شجاعت رزمندگان در قطعات موسیقی

آرمان مهربان، آهنگساز، نوازنده و پژوهشگر موسیقی دوشنبه (۱۸ آبان ماه) پس از دوره‌ای بیماری در ۵۲ سالگی دار فانی را وداع گفت. مهربان، متولد ۱۳۵۳ بود و صدها قطعه موسیقی در کارنامه داشت.

«پوئم سمفونی سرباز» مهم‌ترین اثری بود که مهربان در طول دوران هنری‌اش ساخت است. از سوی دیگر این اثر، مهمترین اثر موسیقایی است که برای ادای احترام به حاج‌قاسم سلیمانی ساخته شد.

آرمان مهربان، پوئم سمفونی سرباز را در نخستین سالگرد شهادت حاج‌قاسم ساخت و آن را با ارکستر سمفونیک صداوسیما ضبط کرد. بعدها این اثر بارها با ارکسترهای مختلف اجرا شد.

آثار آرمان مهربان را رهبرانی مانند آرش امینی، نصیر حیدریان و همایون رحیمیان رهبری کرده‌اند.

رویش هنر ایرانی در تلویزیون

رسانه ملی با استانداردهای حرفه‌ای و نگاهی تازه، هویت و اقتصاد صنایع دستی را بازتعریف می‌کند



امیر گودرزی
گروه رسانه

مجموعه مستند «دست‌آفریده‌ها» در طول سه فصل و حاصل همکاری ۱۵ ساله بیش از ۳۵ مستندساز برجسته کشور، تلاشی راهبردی در رسانه ملی برای گذار از نگاه‌های توریستی، سطحی و موزه‌ای به سوی سینمای مستند هنری و معاصرسازی در عرصه هنرهای صناعی ایران است؛ این اثر با استانداردهای سینمایی و حضور چهره‌های نام‌آشنایی چون شبنم قلی‌خانی، آشا محرابی و صحرا اسدالهی در قامت کارگردان کوشیده با عبور از کلیشه‌های فرسوده، هنر مندسنتی را به مثابه یک متفکر و کنشگر معاصر به تصویر بکشد و اکنون با طراحی دو فصل جدید پیرامون دست‌بافته‌های عشایری و صنایع خلاق، گامی نو در پیوند هویت ملی با اقتصاد هنر بردارد. این مستند روزهای سه‌شنبه و چهارشنبه هر هفته از شبکه دوی سیما حوالی ۲۳:۲۰ پخش می‌شود. داوود سماواتی‌یار، تهیه‌کننده مجموعه مستند دست‌آفریده‌ها در خصوص ایده اولیه شکل‌گیری این طرح و اهداف راهبردی آن به جام جم می‌گوید: این مجموعه مستند فراتر از یک اثر ساده در حوزه معرفی صنایع دستی و هنرهای سنتی، پاسخی استراتژیک به یک خلأ جدی در رویکرد رسانه ملی نسبت به میراث هنری و هنر دست هنرمندان صناعی کشور به شمار می‌رود. سال‌هاست که در مواجهه با صنایع دستی و هنرهای سنتی، با دو آسیب اساسی و جدی روبه‌رو بوده‌ایم؛ از سویی این گنجینه‌های هویتی در حد برنامه‌ها و مستندهای توریستی، سطحی، کارت‌پستالی و گزارشی تنزل پیدا می‌کردند و از سوی دیگر، نگاهی کاملا موزه‌ای، راکد و غیرپویا با بازنمایی آنها در قاب تلویزیون حاکم بود. او ادامه می‌دهد: ایده اولیه این مجموعه زمانی در ذهن شکل گرفت که احساس شد رسانه ملی در قبال احیا، صیانت و بازآفرینی زیست‌بوم این هنرها، مسئولیتی ملی، فرهنگی و تمدنی سنگینی بر دوش دارد و نمی‌تواند در مقام یک تماشاگر منفعل باقی بماند، بلکه باید به میدان آگاهی‌بخشی و ارتقای منزلت این هنرها ورود کند. وی ادامه می‌دهد: هدف بنیادین پروژه، حرکت به سمت معاصرسازی در هنرهای صناعی و برقراری یک پیوند ارگانیک و زنده میان نسل دیروز با نسل نوآور، خلاق و پویای امروز است. هرگز در این مسیر نخواستیم هنر صناعی ایرانی را در حصار تنگ گذشته، ویترین‌های بسته موزه‌ها و تکرار خسته‌کننده فرم‌های سنتی محبوس کنیم، بلکه تمام تلاش‌مان بر این بود که راوی زیست و هنر آن دسته از هنرمندان اصیلی باشیم که با تکیه بر ریشه‌های عمیق فرهنگی و بومی، زبان زمانه خود را در خلق اثر می‌فهمند و از ابزارهای نوین، فناوری روز و رسانه‌های دیجیتال برای تعالی و عرضه هنر بهره می‌برند.

او تأکید می‌کند: دست‌آفریده‌ها تلاشی برای عبور از قوم‌نگاری‌های فرسوده و نگاه‌های توریستی به مناطق مختلف کشور است تا هنرمند نه به‌عنوان یک پیشه ور ساده، بلکه در جایگاه یک متفکر و آفریننده به جامعه شناسانده شود و روح حیات و امید به کارگاه‌هایی بازگردد که مرکز ثقل هویت ایرانی هستند. این مجموعه تاکنون در سه فصل ساخته شده است؛ فصل اول به معرفی هنرمندانی اختصاص دارد که موفق به دریافت نشان مهر اصالت یونسکو شده‌اند؛ نشانی معتبر که کشورمان ایران بیشترین سهم را در دریافت آن دارد. سری دوم به مقوله خانواده مولد پرداخته و نقش اعضای خانواده را در همراهی با تولید و اقتصاد هنر بازنمایی کرده است. در نهایت، فصل سوم به مبحث معاصرسازی در هنرهای صناعی و نوگرایی در فرم و محتوا تمرکز داشته تا چرخه تولید، تکامل و ترویج این آثار به شکلی شایسته در اذهان عمومی نهادینه شود.

گذار از گزارشگری خبری به سینمای مستند هنری

وی در پاسخ به این سؤال که تفاوت بنیادین رویکرد دست‌آفریده‌ها با سایر برنامه‌های پیشین تلویزیون در حوزه صنایع دستی در چیست، می‌گوید: تفاوت این اثر با جریان جاری برنامه‌سازی تنها در کیفیت ظاهری خلاصه نمی‌شود، بلکه ریشه در هستی‌شناسی تصویر و لایه‌های متمایز مفهومی دارد. در تولیدات گذشته، غالبا با نگاهی گزارشی، شتاب‌زده و در قالب قوم‌نگاری‌های مرسوم روبه‌رو بودیم، اما در دست‌آفریده‌ها تمایزهای مشخصی پیگیری شد. نخستین تمایز، گذار جدی از گزارشگری خبری به سینمای مستند هنری بود. به‌جای استفاده از دوربین‌های تلویزیونی رایج، از تجهیزات سینمایی بلک‌مجیک، دوربین‌های وضوح بالا، تصحیح رنگ و نور تخصصی و اتالوناژ متناسب با فضای هنری، صدابرداری دقیق و ساخت موسیقی متن اختصاصی بهره گرفته شد؛ چراکه باور داریم کیفیت فنی و بصری اثر مستقیما بر ارزش ادراک‌شده کالای فرهنگی اثر می‌گذارد و تشخص و اعتباری در شأن هنر ایرانی در بازارهای داخلی و جهانی فراهم می‌آورد. تمایز دوم، نگرش به هنرمند به‌مثابه یک متفکر و کنشگر خلاق، و عبور کامل از تصویر کلیشه‌ای هنرمندی منزوی، تکیده و خسته با لحنی محزون در گوشه کارگاه بود؛ هنرمندان این مجموعه با جهان پیرامون و ابزارهای ارتباطی جدید در تعاملند، اثر خود را کاربردی و امروزی ساخته‌اند و دغدغه‌های معاصر را نمایندگی می‌کنند. سومین تمایز برجسته، التزام به اخلاق مستندسازی و پرهیز از آسیب‌رسانی به جامعه هنری بود؛ در شرایطی که برخی برنامه‌ها برای جلب نظر مخاطب نشانی دقیق و حریم شخصی هنرمند را افشا کرده و آنها را با مخاطرات امنیتی یا سوءاستفاده دلالان روبه‌رو می‌کنند، ما با رویکردی مسئولانه حریم کاری و امنیت حرفه‌ای هنرمندان را حفظ کردیم تا حضورشان ماندگار بماند. این مستندساز در پاسخ به این پرسش که تعادل میان نمایش تکنیک و مهارت هنری با روایت زیست‌بوم و زندگی شخصی هنرمندان چگونه برقرار شد، توضیح می‌دهد: گروه تولید، تکنیک و مهارت را نه در تقابل با درام زندگی فردی، بلکه در امتداد زیست واقعی هنرمند و بخشی جدایی‌ناپذیر از آن به تصویر کشیده است. در برنامه‌های معمول، یا با آموزش‌های کارگاهی خشک روبه‌رو می‌شویم یا تمرکز افراطی بر مسائل شخصی سبب نادیده‌گرفتن فن و مهارت می‌شود. در این مجموعه، تکنیک بازتابی از سلوک، تمرکز و مکاشفه درونی استادکار تلقی شده است.

مدیریت سلایق و نقش بازیگران سرشناس در کارگردانی

وی در پاسخ به سؤالی درباره سازوکار همکاری با مستندسازان پرشمار و مدیریت سلایق مختلف می‌گوید: این پروژه عظیم به سبب تنوع زیست‌بوم‌ها و گستردگی ده‌ها شاخه هنری در سراسر کشور، حاصل کار مشترک بیش از ۳۵ فیلمساز از نسل‌های گوناگون دهه‌های ۴۰، ۵۰، ۶۰ و ۷۰ طی یک بازه زمانی ۱۵ ساله بوده است. در چنین ساختار گسترده‌ای، اعمال یک سلیقه فردی و تک‌صدایی اشتباه محض بود؛ از این رو نقش تهیه‌کننده در قامت یک کیوریتور تعریف شد که یک پالت رنگی مشخص، ساختار کیفی معین و هویت دیداری منسجم را به‌عنوان خط پیوند تعیین می‌کرد، اما به هر کارگردان اجازه می‌داد در چارچوب ۱۰ گونه مختلف مستند، از جمله مستند داستانی، بازسازی، پرتره روایی، شاعرانه، تاریخی و فلسفی، امضای بصری و خلاقیت فردی خود را به نمایش بگذارد.

روزآمد کردن شیوه‌های ارائه و پیوند دادن هویت با نیازهای روز، الگویی روشن از کارآفرینی فرهنگی ارائه کرده و نسل جوان را به سمت مهارت‌آموزی، اشتغال مولد و بازگشت به ریشه‌ها سوق داده است

وی در پاسخ به این سؤال که علت دعوت از چهره‌های شناخته‌شده عرصه بازیگری چون شبنم قلی‌خانی، آشا محرابی و صحرا اسدالهی برای کارگردانی در فصل سوم چه بود، می‌گوید: این تصمیم یک انتخاب آگاهانه و پاسخی دقیق به نیازی ساختاری در حوزه مدیریت پیام بود تا فاصله میان عموم بینندگان با هنرهای صناعی ظریف شکسته شود و عاطفه انسانی و نگاه شاعرانه به درون اثر راه یابد.

تهیه‌کننده دست‌آفریده‌ها در پاسخ به نحوه حفظ یکدستی و یکپارچگی بصری در میان حضور ۱۶ کارگردان مختلف در فصل سوم تاکید می‌کند: پیش از آغاز تصویربرداری، کتابچه راهنمای بصری جامعی تدوین شد و دستورالعمل‌های فنی مشخصی شامل ثبت تصاویر با استاندارد ۲۴ فریم سینمایی و کیفیت 4K به همراه قاب‌بندی‌های تعریف‌شده به تمامی گروه‌ها ابلاغ شد. پس از پایان ضبط نیز فرآیند پس تولید به شیوه‌ای کاملا متمرکز به انجام رسید؛ به نحوی که مهندسی و میکس صدای تمامی ۳۰ قسمت فصل سوم زیر نظر زنده‌یاد سیدمحمودرضا موسوی‌نژاد و با همکاری معصومه حاجی‌یوسف صورت پذیرفت تا تمام صداهای ظریف ابزارها در فضایی آکوستیک، عمیق و سینمایی پالایش شوند.

وی در پاسخ به سؤالی درباره چرایی به‌کارگیری استانداردهای سینمایی و تجهیزات مدرن در یک اثر مستند هنری، این امر را برخاسته از سه ضرورت می‌داند و می‌گوید: نخست ادای احترام به شأن معنوی و تمدنی هنرهای سنتی ایران، دوم ثبت یک سند تصویری دقیق با عمر آرشیوی بلندمدت برای حافظه تاریخی کشور و امکان پخش در جشنواره‌ها و شبکه‌های فرامرزی، و سوم لزوم ارتقای سلیقه و سواد بصری بینندگان، به‌ویژه نسل جوانی که چشمانش به تصاویر پرزرق و برق بین‌المللی عادت کرده است. در این مسیر، اجزای صوتی و موسیقایی اثر نقشی محوری ایفا کردند تا صدای فرود چکش، حرکت چرخ سفال و گذر سوزن به‌عنوان تنفس زنده ماده و ابزار به گوش برسد. انتخاب استادکاران نیز بر پایه چهار معیار بنیادین صورت گرفت که عبارت بودند از اضطرار فرهنگی در ثبت حافظه اساتید کهنسال پیش از وداع آنها، همانند ثبت آثار گرانقدر مرحوم ساعی در اصفهان، پوشش جغرافیای متنوع ایران و اقوام گوناگون، انطباق مهارت فنی با نگرش عمیق فلسفی هنرمند، و ظرفیت نمایشی و دراماتیک فرآیند خلق اثر در برابر دوربین.



عبور از دوگانه سنت و اقتصاد و چشم‌انداز فصل‌های آینده

وی در ادامه با اشاره به تأثیر اقتصادی و اجتماعی این رویکرد خاطرنشان کرد که پروژه موفق شد دوگانه غیرواقعی و کاذب میان حفظ سنت و توسعه اقتصادی را پشت سر بگذارد؛ چراکه نشان داد اصالت بومی می‌تواند زمینه و پایه‌ای استوار برای برندسازی مدرن و بازاریابی باشد. هنگامی که مخاطب با داستان، اصالت و دشواری آفرینش یک دست‌بافته یا ظرف فلزی آشنا می‌شود، ارزش مادی و معنوی آن را درک کرده و حاضر به پرداخت بهای عادلانه آن می‌گردد. بازخوردهای دریافتی از نهادهای صاحب‌نظر دانشگاهی و پژوهشی نظیر فرهنگستان هنر و دانشگاه آزاد اسلامی واحد استاد فرشچیان نشان داد که برجسته‌ترین دستاورد دست‌آفریده‌ها، بازگرداندن شأنیت اجتماعی و عزت‌نفس به استادکاران گمنام بوده است.

این مجموعه با تبدیل میراث گذشتگان به درام‌های تصویری تماشایی، روزآمد کردن شیوه‌های ارائه و پیوند دادن هویت با نیازهای روز، الگویی روشن از کارآفرینی فرهنگی ارائه کرده و نسل جوان را به سمت مهارت‌آموزی، اشتغال مولد و بازگشت به ریشه‌ها سوق داده است. تهیه‌کننده دست‌آفریده‌ها در پاسخ به این سؤال که آیا این جریان مستندسازی تداوم خواهد یافت، از طراحی جامع فصل‌های چهارم و پنجم خبر می‌دهد: طرح این دو فصل جدید بر مبنای پرداختن به گنجینه دست‌بافته‌های اصیل ایلیاتی و عشایری ایران، صنایع خلاق بومی و رویکردهای آینده‌پژوهانه در هنر توسط تیم پژوهش متشکل از دکتر اربابی، دکتر افشار و خانم ترکمانیان تدوین شده است. این طرح‌ها در قالب دو فصل مستقل ۳۰ قسمتی با مدت‌زمان تقریبی ۲۵ دقیقه برنامه‌ریزی شده و در حال حاضر در مرحله جلسات پیش‌تولید و هماهنگی‌های نهایی با شبکه دوی سیما و وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی قرار دارند تا پیوند هنر، فرهنگ و رسانه ملی با قدرت بیشتری تداوم پیدا کند.

خبر

قدردانی رئیس کمیته پارالمپیک از صداوسیما

رئیس کمیته ملی پارالمپیک در نامه‌ای به رئیس سازمان صداوسیما، از حمایت رسانه ملی و پوشش پنجمین دوره بازی‌های پاراآسیایی آیچی ـ ناگویا قدردانی کرد. به گزارش روابط عمومی رسانه ملی، در این نامه بر نقش رسانه ملی در انعکاس افتخارآفرینی ورزشکاران پارالمپیکی و ترویج فرهنگ امید و خودباوری تأکید شده است. در متن نامه غفور کارگری به دکتر جبلی آمده است: بی‌تردید، رسانه ملی در بازتاب جلوه‌های غرورآفرین توانمندی و اراده فرزندان ایران و ترویج فرهنگ امید و خودباوری نقشی بی‌بدیل داشت. خرید حق پخش مسابقات و اعزام تیمی تخصصی از بخش‌های مختلف سازمان به محل برگزاری بازی‌ها با فراهم آوردن زمینه پخش زنده رقابت‌ها و پوشش میدانی مسابقات، با وجود مشکلات و موانع فراوان که از طرف میزبان ایجاد شده بود، فرصتی ارزشمند برای انعکاس شایسته افتخارآفرینی قهرمانان پارالمپیکی و همراهی مردم با آنان فراهم آورد. در همین راستا، به نمایندگی از خانواده بزرگ ورزش پارالمپیک ایران مراتب سپاس و قدردانی خود را از حمایت و اهتمام حضرت‌عالی و مجموعه سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران در پوشش شایسته پنجمین دوره بازی‌های پاراآسیایی آیچی ـ ناگویا ابراز می‌دارم. در این میان مدیریت و راهبری برادر عزیزم آقای سینا معتضدی، مدیر محترم شبکه ورزش سیما، سهم بسزایی در انسجام و ارتقای کیفیت پوشش رسانه‌ای این رویداد داشت. به این وسیله از تلاش‌های ایشان و تمامی مدیران، خبرنگاران، گزارشگران، تصویربرداران و عوامل فنی و اجرایی سازمان صداوسیما که در تحقق این پوشش رسانه‌ای نقش‌آفرین بودند، صمیمانه قدردانی می‌کنم. امید است با استمرار این رویکرد حمایتی، تعامل و همکاری میان رسانه ملی و کمیته ملی پارالمپیک بیش از پیش گسترش یافته و شاهد انعکاس شایسته‌تر ظرفیت‌ها، دستاوردها و افتخارات ورزش پارالمپیکی کشور در عرصه ملی و بین‌الملل باشیم.

خبر

پیام تسلیت رئیس مجلس برای درگذشت آرمان مهربان

محمدباقر قالیباف در پیامی درگذشت آرمان مهربان، را تسلیت گفت. در متن پیام رئیس مجلس شورای اسلامی آمده است: درگذشت آرمان مهربان، آهنگساز، نوازنده و هنرمند موسیقی ایران، ضایعه‌ای تأسف‌بار برای جامعه هنری کشور است. ساخت پوئم‌سمفونی «سرباز» در پاسداشت مقام شهید حاج‌قاسم سلیمانی، از انتخاب‌های ماندگار او در مسیر هنری‌اش بود. او ازجمله نخستین آهنگسازانی بود که پس از شهادت سردار سلیمانی، با زبان موسیقی به این واقعه و شخصیت ملی پرداخت. ارزش کار هنرمندی چون مهربان، در روزهایی بیشتر آشکار می‌شود که فشار فضای رسانه‌ای و جریان‌های وابسته به دشمن می‌کوشند مرزهای بیان هنری را تعیین کنند. او ترجیح داد به‌جای سکوت یا فاصله‌گرفتن از باورهایش، از زبان تخصصی و ابزار هنر برای بیان آنچه به آن اعتقاد داشت استفاده کند. این همان معنای هنر متعهد است؛ هنری که استقلال و شأن حرفه‌ای خود را حفظ می‌کند، اما نسبت به ایران، مردم و سرنوشت جامعه بی‌تفاوت نمی‌ماند.

یادداشت

محسن صفایی‌فرد | رئیس مرکز شعر، موسیقی و سرود صداوسیما

«سرباز میهن»

جوانمرد هنرمند موسیقی ما

«سرباز» را که برای اولین سالگرد سردار نوشته بود، با شجاعت و خلاقیت تمام ضبط و اجرا کرد. خودش هم پشت پیانو نشست و به صحنه آمد. پیانوی موومان «میهن» را چنان با تسلط و احساس اجرا کرد که انگار ایستاده بر قله اکنون، از تماشای دامنه تاریخ پرکشاکش فرهنگ و تمدن این سرزمین لذت می‌برد و به ما این دامنه را نشان می‌داد. در موومان میهن شما یک تم اصلی را در واریاسیون‌های مختلف می‌شنوید که مرحله به مرحله پخته‌تر و کامل‌تر می‌شود تا جایی که انگار امروز است و ماییم و اوست؛ در اوج اعتلا و عزت. آرمان عزیز، علی‌اکبر بود و این نام هنری را برای خود برگزیده بود. و چه خوب این انتخاب نام هنری در کنار آن نام شناسنامه‌ای، تصویر آرمانی از جوانمرد هنرمند ما ساخته بود. جوانمردی و هنر، در فرهنگ دینی و ملی ما پیوندی ذاتی و اصیل با هم دارند و گواهش کارنامه هنر آرمان مهربان موسیقی ماست. اینک روح جوانمرد هنرمند ما به ابدیت پیوسته است. از درگاه خدای مهربان برای او آرامش و مغفرت می‌طلبم و برای بازماندگان و دوستانش خصوصا همسر صبور و فداکار و مادر بزرگوارش صبر و تسلا مسالت دارم.